

رسانه های بیگانه با کرونا «امنیت روانی» مردم را نشانه گرفته اند

یک تحلیلگر حوزه امنیت رسانه گفت: مردم هر آنچه که در فضای مجازی مشاهده می کنند، نباید بپذیرند، زیرا هر آنچه که مشاهده می شود، کل حقیقت نبوده و تنها یک بازی تصویری با انسان ها است.



خبرگزاری فارس - زینب رازدشت: امنیت رسانه، موضوع بسیار حائز اهمیتی است که بیشتر اوقات خود را در زمان بحران ها نشان می دهد. روزهایی که جامعه در بحران به سر می برد و مردم شروع به انتشار شایعات می پردازند.

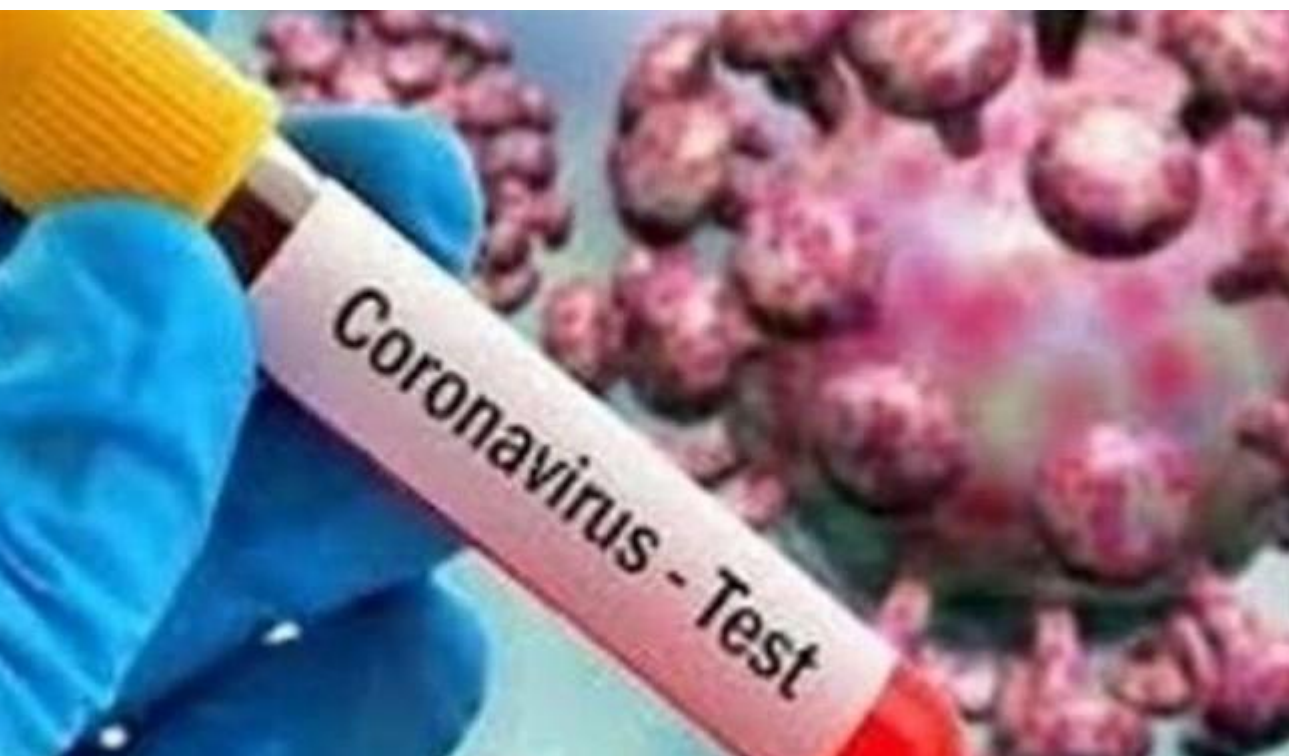
اتفاقی که این روزها شاهدش هستیم و به نوعی اکثریت مردم با آن درگیر شده اند، دروغ و بزرگنمایی در برخی از موضوعات است. کرونا از جمله این موضوعات بوده که قربانی چنین امری شده است .

علیرضا امینی تحلیلگر حوزه امنیت رسانه معتقد است که جامعه ما متأسفانه در ماجرای کرونا دچار ناامنی روانی شده است و آسیب های این ناامنی روانی به مراتب بیشتر از اتفاقات دیگر است. به همین بهانه گفت و گویی با علیرضا امینی تحلیلگر حوزه امنیت رسانه انجام داده ایم. آنچه از نظر می گذرانید، حاصل گفت و گوی ما با وی است.

فارس: بزرگترین اتفاقی که در عرصه امنیت ممکن است به وجود بیاید، امنیت روانی است، به ویژه در شرایط بحران. بنظر شما رسانه ها در چنین شرایط باید چه کارهایی انجام دهند و در مقابل مردم چگونه از اطلاعات بهره مند شوند؟

امینی: امنیت روانی، بزرگترین اتفاقی است که می تواند در جوه مختلف امنیت شکل بگیرد؛ طبیعتاً زمانی که امنیت روانی جامعه یک کشور و مجموعه ای متمرکز از وجود انسان ها مورد حمله قرار بگیرد، آسیب هایی به دنبال خواهد داشت که شاید سال ها و قرن ها آن جامعه را درگیر خودش می کند .

اتفاقاتی که تضعیف امنیت روانی در آسیب های اجتماعی ایجاد می کند، تنها در بعد فردی نیست و قطعاً حوزه های اقتصادی و فرهنگی را تحت تأثیر قرار خواهد داد، به خصوص در مجامعی که مباحث عبادی دارد و ابعاد عبادی را تحت تأثیر خود قرار می دهد. این اتفاقات و مسائل و ایجاد جوی که بتواند امنیت روانی جامعه را تحت تأثیر بگذارد، معمولاً موارد بیماری زایی برای جامعه ای به وجود می آورد.



احساس اضطراب، افسردگی، خشم و سردرگمی از جمله اتفاقاتی است که گریبان مردم را می گیرد. همچنین از آنجا که تفکر فقر از خود فقر بدتر است، چنین تفکر و احساساتی امنیت جامعه را برهم می زند. در حوزه امنیت روانی زمانی که جامعه درگیر امنیت روانی می شود و این امنیت روانی یا به صورت تهاجم تولید می شود و یا بر اساس یک اتفاق جامعه را درگیر

خودش کند، مدت ها افسردگی مردم و اضطراب ناشی از برهم خوردن امنیت روانی می تواند جامعه را در همه حوزه ها به سمت فلجی بکشاند و مطمئناً جامعه افسرده، مضطرب، سردرگم و پر از خشم را شاهد خواهیم بود و این افراد در هیچ حوزه ای به ویژه حوزه اقتصاد افراد مؤثری نخواهد بود و یقیناً نمی تواند حتی در حوزه فرهنگ و تربیت عمل و قدم مثبتی را بردارد؛ لذا این اتفاق یعنی توجه به حوزه امنیت روانی به نظر می رسد در حوزه امنیت از جنبه های پراهمیت است و توجه به آن شاید از بسیاری موارد در حوزه امنیت جدی تر باشد.

رسانه ها زبان سخنگوی مرتبط با مردم هستند و باید در چنین شرایط بحرانی بتوانند اطلاعات درست و به موقع در اختیار مردم قرار دهند و مردم هم سعی کنند اخبار را از منابع رسمی پیگیری کنند.

البته امنیت فیزیکی، بسیار حائز اهمیت است، اما نه به اندازه امنیت روانی که اگر امنیت روانی دچار خدشه شود و جامعه را درگیر خودش کند، امکان اینکه جامعه با سقوط و فروپاشی روبرو شود، بسیار است.

فارس: و البته در بحران ها شاهد دروغ نمایی و بزرگنمایی از موضوعاتی همچون کرونا هستیم.

امینی: کاملاً درست است. در همه موارد متأسفانه امنیت روانی جامعه دچار آسیب شده است یعنی آسیب های امنیت روانی به مراتب بیش از اتفاقات دیگر است. گاهی بنا به دلایلی شاهد شایعات، دروغ و بزرگنمایی از موضوعات به هنگام بحران ها هستیم که همین امر سبب بروز آسیب های بسیاری برای مخاطبان دارد.

در این شرایط ما باید ببینیم که رسانه ها به عنوان متولی ارتباط با مردم چه کارهایی باید انجام دهند تا بتوانند امنیت روانی را مدیریت کنند و اعتماد را به جامعه برگردانند. همچنین در چنین شرایطی باید مردم آگاه شوند تا در فضای شایعه، دروغ و بزرگنمایی بتوانند اخبار درست را از غلط تشخیص دهند.

رسانه ها زبان سخنگوی مرتبط با مردم هستند و باید در چنین شرایط بحرانی بتوانند اطلاعات درست و به موقع در اختیار مردم قرار دهند و مردم هم سعی کنند اخبار را از منابع رسمی پیگیری کنند.

البته باید گفت که همه رسانه ها در تولید خبر و انتشار خبر یکسان نیستند؛ برخی از رسانه ها براساس طراحی و برنامه ریزی های خودشان عمل می کنند و طبیعتاً همه رسانه ها در راستای خیر برای یک کشور به فعالیت نمی پردازند و در راستای انسجام بخشی نیستند. گروهی از

رسانه ها به دنبال برهم زدن امنیت روانی جامعه هستند و درصدی دیگر از آنها هم جزو رسانه های هدفداری هستند که سعی دارند جامعه را به آرامش نسبی برسانند.

فارس: البته همه رسانه ها هدفدار هستند و اهدافی را دنبال می کنند.

امینی: قطعاً درست است و همه رسانه ها هدفدار هستند و هدف مشخصی را دنبال می کنند، اما وظیفه ای که امروز برعهده رسانه بوده جلوگیری از جریان سازی توسط رسانه های جریان دار است، رسانه هایی که اساساً طراحی شده اند تا نظم روانی جامعه را برهم بزنند. رسانه های اصلی که رسانه های مورد تأیید هستند، در مسیر رقابت تولید خبر عقب می مانند و این اتفاق باعث می شود که بازی به سمت رسانه های معاند کشیده شود و اساساً آنها به جریان سازی بپردازند. در همین بخش نیاز است تا رسانه هایی که در نظام جمهوری اسلامی ایران به اصلیت نظام معتقد و علاقمند به حوزه کشور هستند، این زنگ خطرها و اتفاقات را زودتر مدیریت کنند.



امروز رسانه های عمومی اعم از صداوسیما، پایگاه های خبری و رسانه های خبری در رابطه با شایعات باید اقداماتی انجام دهند و اگر این رسانه ها پاسخی در مقابل این شایعات نداشته باشند، قطعاً این شایعات به صورت اپیدمی جامعه را درگیر خود می کند و متأسفانه این شایعه در مسیر سرایت به دیگران با غلظتی و بزرگنمایی روبرو می شود. یعنی یک شایعه کوچک، شایعه بزرگتری را تولید می کند.

تا زمانی که در رسانه ها ناهمگرایی در کشور وجود دارد، قطعا زمین بازی در اختیار جریان مخالف خواهد بود و آسیب های جدی به مردم وارد خواهد شد.

فارس: بنظر شما داشتن سواد رسانه ای در شرایط کنونی بحران برای مردم در راستای تشخیص اخبار درست از غلط امری ضروری نیست؟

آگاه سازی و داشتن سواد رسانه ای یکی از راه های نجات مردم در شرایط کنونی است. ما انتظار نداریم که مردم جنگ شناختی در حوزه رسان راه بشناسند و حتی توقع نداریم که کارشناسی داشته باشند، بلکه می توانیم سواد رسانه ای را که ابتدایی ترین حوزه شناختی است را به مردم آموزش دهیم. متأسفانه ما نتوانسته ایم این اعتماد را در مردم ایجاد کنیم تا دریافت خبر را بر اساس شناخت مراکز اصلی خبر بپذیرند.

برای مثال در مسأله کرونا که امنیت روانی جامعه به هم ریخته است، دولت، مسئولان و رسانه ها باید این موضوعات را مطرح می کردند که کرونا بیماری خطرناکی نیست و حتی میزان فوتی بر اثر آنفولانزا بیش از کرونا بوده اما حجم سرایتش گسترده تر است. امروز رسانه ها دائما تأکید می کنند که هر ۲۰ دقیقه یکبار دست های خود را بشوید، اگر رسانه ها از قبل این موضوع را اطلاع رسانی می کردند، فضا به نسبت امروز امن تر می شد و حتی به لحاظ روانی برای مخاطب بهتر می شد.

فارس: بنظر شما مردم در شرایط کنونی باید چه کاری انجام دهند؟

امینی: رسانه ها باید اخبار دقیق را در اختیار مردم قرار دهند و از طرفی مردم هم اخبار را باید از مراکز اصلی دریافت کنند. همچنین رسانه ها باید به آگاه سازی مردم بپردازند و از طرفی هم مردم باید به نوعی آگاه باشند که حضور کمتری در شبکه های اجتماعی داشته باشند و هر آنچه که در شبکه های اجتماعی گفته می شود را به معنای حقایق نپذیرند. گاهی تصاویر می تواند جعلی باشد یعنی بخشی از تصاویر را منتشر کنن؛ بنابراین آنچه که شما می بینید، کل حقیقت نبوده و این یک بازی تصویری با انسان ها است. در واقع همه نوشته ها، منابع و اعلام ها می تواند غیرواقع بوده و ۱۰۰ درصدی نباشد.

گاهی فایل صوتی در شبکه های اجتماعی منتشر می شود که عنوان می کند مسئولیتی دارد و بنا بر آن مسئولیت اظهار نظرهایی می کند. همچنین بعد از احراز صدای فرد، مشخص می شود که دروغ بوده است. مردم باید آگاه باشند و دقت بیشتری کنند.

فارس: اخلاق رسانه ای چطور؟

امینی: بنظر مهمترین اتفاق این است که اخلاق رسانه ای را ما حتما رعایت کنیم، یعنی مخاطبان در باز نشر مطالب توجه لازم را داشته باشند و تا زمانی که از صحت و سقم آن باخبر نباشند، به انتشار آن مطلب نپردازند. گاهی مخاطبان مطلبی را به صورت نیمه می خوانند و هنوز مطلب را به پایان نرسانده اند آن را برای دیگران بازنشر می کنند. این امر می تواند به ایجاد فضای شایعه کمک کند و فضای شایعه همان فضایی است که دیگران می توانند برای ما جریان سازی کنند و به ایجاد فضای ناامن بپردازند. اساسا جریان های معاند نظام جمهوری اسلامی ایران، جنگ نرم را در ابزار خودشان قرار داده اند. همچنین برای فلج کردن کشور نیازی نیست که بمب بر سر آن کشور خالی کنند، بلکه تنها کافی است که مردم آن کشور را ناامید و یا حضور آنها را در عرصه سیاست کم رنگ و حتی مردم را خشمگین کنند، در این شرایط امنیت روانی جامعه را به هم ریخته می شود.

زمانی که موضوع ملی ایجاد می شود، باید این نشست ها و هم اندیشی ها تشکیل شود تا خروجی همه رسانه ها یک اتفاق باشد و مخاطبان یک صدا از رسانه ها بشنوند. در این شرایط تلاش های رسانه های معاند بی نتیجه خواهند ماند .

اتفاقی که امروز در این شرایط بحرانی برای مردم کشورمان رقم خورده است این بوده که مردم را حتی به لحاظ عاطفی، دچار آسیب کرده اند. یعنی زمانی که فرد به میان خانواده اش می رود، به چشم متهم به دیگران نگاه می کند و این اضطراب در میان مردم وجود دارد که شاید او هم به این بیماری مبتلا شده است. این اتفاقات آسیب های جدی را به دنبال دارد و حتی با تمام شدن بیماری کرونا این آسیب های روانی تمام نخواهد شد و تنش ها ، ضربه ها و آسیب های افسردگی که در وجود مردم ایجاد شده است، مدتی خواهند ماند.

بنظر می رسد این وضعیت را رسانه ها باید مدیریت کنند، متأسفانه ما در ایران نگاه دقیقی به امنیت روانی نداریم؛ بدنه دولت طلب می کند که این امنیت را برای مردم ایجاد کنند در غیر این صورت اتفاق خطرناک تری برای جامعه رقم بخورد.

فارس: بنظر شما این مدیریت رسانه در رسانه های داخلی کشور وجود دارد؟

امینی: شفاف می گویم، ما نه مدیریت رسانه را داریم و نه از ادبیات و باور این مدیریت برخورداریم. اگر مشابه این اتفاق در کشورهای دیگر رخ دهد، همه مدیران رسانه در اتاق فکری جمع می شوند تا به یک جمع بندی مشخصی برسند. متأسفانه در کشورمان این اتفاق رخ نمی دهد و تا کنون چنین جلسه هم اندیشی میان آنها رخ نداده است به غیر از جلسه هم اندیشی چندین رسانه بزرگ کشور.



زمانی که موضوع ملی ایجاد می شود، باید این نشست ها و هم اندیشی ها تشکیل شود تا خروجی همه رسانه ها یک اتفاق باشد و مخاطبان یک صدا از رسانه ها بشنوند. در این شرایط تلاش های رسانه های معاند بی نتیجه خواهند ماند .

فارس: در حالی که مدیریت رسانه آمریکا به ویژه در شرایط بحرانی اش، عالی است.

امینی: آمریکا، هنر استفاده از ابزار رسانه را به خوبی می شناسند و اخیراً منافقان تیم سایبری برای شبکه های مجازی ایران تشکیل داده اند. در حقیقت آنها می دانند که نقطه اثر کجاست؟ امروز ایران به مانند شرایطی می ماند که بدتر از جنگ است. مردم به دلیل عدم وجود مدیریت رسانه، به هم ریخته و سردرگم هستند.

فارس: بنظر شما رسانه ها در شرایط فعلی باید چه کنند؟

امینی: رسانه های ما همسو نیستند و خبرگزاری های مرتبط با دولت، پیامی را می دهند که خود این ها مسأله زا و تنش زا هستند. برای مثال اتفاقی که در حوزه رسانه در استان قم رخ داد. نماینده مجلس ادعا می کند که ۵۰ نفر به دلیل مبتلا به کرونا فوت کرده اند و معاون بهداشت عنوان می کند که چنین رقمی صحت ندارد. این تناقض ها نشان می دهد که مدیریت رسانه نداریم .

این موضوع باید به مردم اطلاع رسانی شود که میزان کشته شدگان آنفولانزا به مراتب بیشتر از کروناست اما آمریکا کشته های حوزه آنفولانزا را ثبت نکرده و هیچ رسانه ای آن را پوشش نداده است.

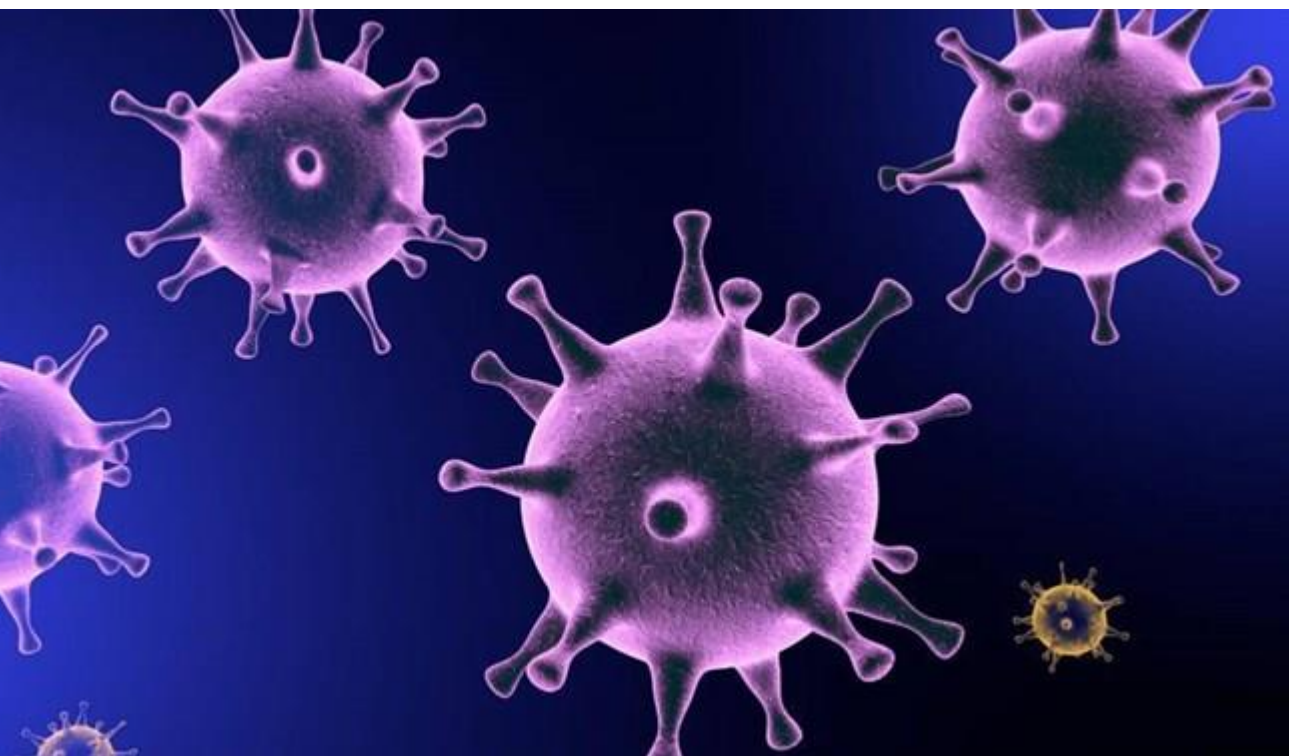
همچنین آمریکا در ماجرای پایگاه عین الاسد از تکنیک و مدیریت رسانه ای فوق العاده ای استفاده کرد. یعنی او اطلاعات را در یک لحظه و زمانی که مردم هیجان داشتند، عنوان نکرد بلکه اطلاعات را به مرور منتشر کرد زمانی که هیجان غالب مردم گرفته شد. اگر روز اول عنوان می کرد که ۲۰۰ نفر در این پایگاه آسیب دیده اند، بلوایی در آمریکا به پا می شد. او گذاشت تا کم کم از داغی موضوع کاهش یابد و سپس به انتشار اخبار پرداخت. با این بخش از موضوع کاری نداریم که این تکنیک آمریکا اخلاقی بوده است یا خیر اما بیشتر منظورم تکنیک کار رسانه ای است که متأسفانه ما در ایران از چنین تکنیکی برخوردار نیستیم .

فارس: راه حل پیشنهادی شما چیست؟

امینی: تا دیر نشده باید وارد میدان شویم چراکه کرونا تنها حادثه این کشور نیست. ابتدا همه صاحبان رسانه باید وارد شوند و اهداف و تکنیک های رسانه را به خوبی یاد بگیرند و اگر بلد هستند، بیشتر یاد بگیرند. یعنی دور هم بنشینند و گفتگو کنند.

امروز کرونا یک نمونه و مسأله ملی است که رسانه ها باید دور هم جمع شوند و اصحاب رسانه و مردم این سواد رسانه ای را داشته باشند تا بتوانند مسیر حق را برای مردم انتخاب کنند .

همچنین باید صاحبان رسانه فضای روشنی را برای افراد ایجاد کنند و بتوانند در حوزه های ملی به نتایج یکسان برسند. متأسفانه میان رسانه های کلان کشور شاهد هستیم که گفتگوها متغیر است. منظورم از متغیر بودن به مفهوم آن نیست که نقدی نداشته باشند بلکه در حوزه های ملی امکان دارد که این نقد وارد باشد چراکه ذات رسانه ای این است و این آزادی گفتگو در نظام جمهوری اسلامی وجود دارد.



امروز کرونا یک نمونه و مسأله ملی است که رسانه ها باید دور هم جمع شوند و اصحاب رسانه و مردم این سواد رسانه ای را داشته باشند تا بتوانند مسیر حق را برای مردم انتخاب کنند .

حتی رسانه ها در ارائه آمار باید دقت کنند، گاهی در رسانه ای شاهد هستیم که آمار ۳۰ نفر را اعلام می کنند و در رسانه ای دیگر آمار ۱۰ نفر مبتلا به کرونا را. یکی از دلایل متغیر بودن آمارها این است که یک سخنگو نداریم و هر کس در هر جایگاهی که دارد، در این رابطه به ارائه آمار و اظهار نظر می پردازد. باید در این زمینه دقت لازم را داشته باشیم زیرا آسیب های روانی به مراتب سنگین تر از آسیب های امنیتی نظامی است.